

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نگارش : حمید قربانی

فرستنده: جهانگیر محبی

۲۰ می ۲۰۱۲



ملغی کردن مجازات اعدام، الزاماً به یک توجیه مارکسیستی نیاز ندارد، اما توجیه مارکسیستی باعث غنی تر شدن بسیاری از بحثها در باب این مقوله می گردد.

"م. بوهم"

مجازات اعدام و چگونگی مبارزه برای لغو آن

بحث در مورد مجازات شنیع اعدام و در حقیقت قتل عمد و با برنامه انسانها از جانب دولت ها این روزها بعد از فتوای مرتجعین اسلامی حاکم بر ایران، در مورد "شاهین نجفی" خواننده جوان موزیک رپ و مورد علاقه نسل جوان ایرانی بالا گرفته است. "شاهین نجفی" به خاطر خواندن یک ترانه که در آن گویا امام نقی را به طنز کشیده است، توسط فتوای یک مرتجع، مرتد شناخته شده و خونس حلال گردیده است. ولی معلوم و مسلم است که موضوع اصلی، این که "شاهین نجفی" تفکر و اعمال و کردار حاکمین مدافع سرمایه و مالکیت را که از جمله جام جمکران را برای نوه او "مهدی" و در اصل برای فریب مردم به وسیله پراکندن خرافات بیشتر اختراع کرده اند را، به تمسخر کشیده است. به این اساس و مخالفت به حق با این فتوا که (خود فتوا به نظر من، از ارتجاعی ترین و سخیف ترین احکام در جامعه بشری است)، گروهها، احزاب، سازمانها و افراد مترقی و مدافع کرامت انسانی مطالب زیادی نوشته و آن را محکوم کرده اند و دست اندر کار ترتیب دادن تظاهرات و آکسیونهای مختلف در سراسر جهان مقابل سفارت ها و کنسولگری های رژیم ایران هستند.

در چنین شرایطی است که باز، بحث در مورد نفس قتل عمد و با برنامه یک انسان به وسیله قاتلان حقوق بگیر یعنی اعدام یعنی کشتن انسان اسیر شده ای که نمی تواند گزند به کسی و یا جامعه برساند، روی میز قرار گرفته است. و چه خوب که چنین شده است. البته این در صورتی است که قتلی انجام گرفته باشد، ولی همه می دانیم که بیشترین اعدام ها در مورد کسانی اجراء می شوند که مخالف نظام طبقاتی حاکم و دولت های حافظ این اوضاع می باشند. هنوز کسانی هم وجود دارند که خود را در اپوزیسیون جمهوری اسلامی انسان کش قرار می دهند و نه تنها با حکم اعدام مخالف نیستند که حتی از فتوا و حکم ارتداد "شاهین نجفی" هم به بهانه این که شاهین نجفی به "توده ها" و مذهب شان توهین کرده است، حمایت می کنند، که می شود، آنها و آزادی خواهی شان را به خود و جمهوری اسلامی سپرد.

به باور من، مجازات اعدام را باید به عنوان یکی از مجازاتهای قرون وسطائی و دوران طفولیت نوع انسان دانست و خواستار انداختن آن به چاهی شد که به قول معروف "عرب نی انداخت"، یعنی به زباله دانی تاریخ رهسپار کرد. و اما، این که من و میلیاردها انسان دیگر در سطح جهان چنین خواستی را داریم، مثل هزاران خواست انسانی دیگر مانند لغو استعمار و تبعیض و اجراء شدن شعار کار، نان، مسکن، آزادی برای همه به معنی اجراء شدن این خواست ها نیست. برای به اجراء گذاشتن هر خواستی در اینجا لغو حکم اعدام باید شرایط اجتماعی را فراهم آورد. نمی توان به سادگی نوشت که "طبعاً با رفتن رژیم اسلامی در حکومت آینده ایران مجازات مرگ لغو خواهد شد و دیگر هیچ نهاد و سازمان و فردی تحت هیچ عنوانی حق نخواهد داشت حکم به قتل و مرگ انسانی بدهد. هر آخوندی هم فتوای حکم مرگ صادر کند به جرم تحریک به قتل دستگیر و روانه دادگاه خواهد شد تا محاکمه و مجازات شود" (۱). رضا مقدم.

هنوز این که با دار و جلا د با انسان رفتار می شود و سیستم سرمایه داری با چنین وسیله ای از خود دفاع می نماید نه تنها در ایران، بلکه در ۱۸ کشور جهان معمول است. (۲) این ها البته کشورهای هستند که رسم آن، قانون آن و به وسیله احکام صادره از بی دادگستریهایشان دست به چنین عملی می زنند و گر نه همه می دانیم که روزانه چه تعداد انسان به وسیله چوچه های مرگ، در جنگ، بمب گذاری ها، در زندانها، معادن و کارخانه ها زندگی شان گرفته می شود، زیر شکنجه های جسمی و روحی له و لورده شده و کشته می گردند و حتی بر اثر یأس و ناامیدی ناشی از بیکاری و فقر دست به خودکشی می زنند. مثلاً اسرائیل کشوری است که در لیست کشورهای اعدام کننده قرار ندارد، ولی چه کسی است که نداند سالانه چند نفر از کودکان و نوجوانان فلسطینی روبه روی چشم پدر و مادر شان به وسیله گلوله های سربازان این کشور (۳) به لحاظ سیاسی، اسرائیل مدرن تر، دمکراتیکتر و غربی شدهتر است (۳) کشته می گردند. حداقل دو کشور از این ۱۸ تا، از کشورهای با قدرت در جهان امروز هستند. این دو کشور عبارتند از: ایالات متحده آمریکا و چین.

کشور امپریالیستی آمریکا هنوز با بهانه های متعدد و (در اصل برای سود سرمایه)، از آن جمله بهانه دفاع از دموکراسی و مبارزه با تروریسم که خود اصلی ترین پرورش دهنده اش است، به اقصی نقاط جهان لشکر می کشد و قند تو دل خیلی ها نیز آب می شود و به نام چپ و کمونیسم کارگری از این تجاوزات امپریالیستی با بهانه هایی مثل رفتن طالبان در افغانستان و جلوگیری از کشتار مردم (لیبیا) به دفاع بر می خیزند و دیگری نیز هنوز که هنوز است متأسفانه در عدم وجود یک جنبش سازمان یافته و قوی کمونیسم و سوسیالیسم کارگران در جهان، رسماً خود را کمونیست دانسته و به رسمیت شناخته می شود و چنین جنایاتی را نیز به نام دفاع از یکی از انسانی ترین حرکات و جنبش ها و شیوه زندگی اجتماعی انسان انجام می دهد. کشور عربستان سعودی در خیابان و در ملاعام با آلت قتاله دوران بربریت و وحشیگری یعنی شمشیر، سراز تن زنان کارگر و زحمتکش جدا می کند و در کلوب بورژواهای جهان پذیرفته می شود و عضوی از ۲۰ کشوری می شود که می خواهند جهان بحران زده را "نجات" دهند.

در چنین وضعیت جهانی نمی شود، با سرنگونی دولت انسان کشی چون جمهوری اسلامی و در منطقه خاورمیانه که اکثر دولت های موجود این حکم شنیع را اجراء می کنند با اطمینان از لغو مجازات اعدام نوشت، هر چند که در شرایط کنونی اولین مانع جدی در رابطه با لغو مجازات اعدام نیز در جامعه ایران، بختک جمهوری اسلامی سرمایه می باشد. در این شک نیست، ولی سرنگونی جمهوری اسلامی به باور من، زمینه را مساعد می کند و به قوی شرط لازم ولی نه کافی است. شرط لازم و کافی این است که در حین و بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی چه طبقه و یا طبقاتی خود را سازمان داده و قدرت سیاسی را کسب می کنند. اگر اتفاقی مانند مصر بیفتد و جناحی دیگر از طبقه حاکمه یعنی بورژوازی با یاری امپریالیست ها قدرت سیاسی را داشته باشد، چه بسا که مجازات اعدام هم به همین شناخت و در ابعاد کم و یا زیاد ادامه داشته باشد، ولی اگر طبقه کارگر بتواند خود را متحد و متشکل در ارگانها و نهادهای توده ئی طبقاتی اش و به ویژه سازمان سیاسی خویش یعنی حزب سوسیالیستی کارگران نماید که در این صورت قادر خواهد بود با رهبری کردن اقشار دیگر فرودست، قدرت شورائی خود را، بر بورژوازی ایران و جهان تحمیل کند، آنگاه آری و صد آری می توان اطمینان داشت که مجازات اعدام هم، همراه جمهوری اسلامی با تمام جناح هایش چه اصولگرا و چه اصلاح طلب و لیبرال و غیره به تاریخ سپرده خواهد شد. این جاهم چیزی جز چگونگی پیشرفت مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران و دولت شان تعیین کننده، نیست. چک سفیدی وجود ندارد.

ملاحظات

(۱) - http://www.asremaa.com/2012/05/blog-post_5144.html

(۲) - گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل (امنستی) ۲۰۱۱، منتشره در سایت های اینترنتی.

(۳) - [/http://hekmat.public-archive.net](http://hekmat.public-archive.net)

----- منابع: مردمک - روشنگری